

مثل

مهربانی خدا

آنسیه موسویان



نام کتاب: بیابین
نویسنده: یحیی علوی فر
تصویرگر: سمیه بیگدلی
نشر: عمو علوی
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه
نوبت چاپ: نخست ۱۳۸۹

یک

«بیابین» این جمله‌ی کوتاه که نام کتاب شعر از آن گرفته شده، سرآغاز و سطر نخست شعر است که در یک مجموعه گرد آمده است. مجموعه شعر «بیابین» را یحیی علوی فرد برای گروه سنی ج و د سروده و سمیه بیگدلی تصویرسازی شعرها را به عهده داشته است. شعرهای این کتاب همگی در قالب نیمایی و در یک وزن و با مضمون و درون‌مایه‌ای مشترک سروده شده‌اند. اگرچه شاعر برای هر یک نامی جداگانه برگزیده است، می‌توان آن‌ها را یک شعر دنباله‌دار بلند محسوب کرد. چرا که وزن و قالب و مضمون مشترک، هم‌چون رشته‌ای، این سروده‌ها را به هم متصل کرده است.

یکی از مهم‌ترین بحث‌ها در شعر کودک و نوجوان، چگونگی و چند و چون معنی و مضمون در شعر است. اگر از بحث‌ها و اختلاف نظرهایی که درباره‌ی هدف شعر و وظیفه‌ی آن بین منتقدان و نظریه‌پردازان مطرح است بگذریم و دیدگاه‌های افراط و تفریطی را درباره‌ی ایجاد لذت از طریق شعر و یا تعهد و دارا بودن پیام آن، کنار بگذاریم به

این نتیجه می‌رسیم که شعر خوب شعری است که همه‌ی عناصر آن با همدیگر متناسب و هماهنگ باشند. توجه بیش از حد به هر یک از عناصر سبب ایجاد ناهماهنگی و برهم خوردن توازن و تعادل شعر می‌شود. در یک شعر خوب، صورت‌های خیال، آرایه‌های ادبی، زبان، موسیقی و... همگی در جهت آفرینش معنا و مضمونی بکر و اندیشه‌ای ارزشمند و یا بیان حس و عاطفه‌ای والا، عمل می‌کنند.

علوی فرد تلاش کرده است با استفاده از زبان شاعرانه و سایر عناصر زیبایی‌آفرین در شعر، اندیشه و پیامی ارزشمند را به مخاطب منتقل کند. در یک نگاه کلی، طبیعت و زیبایی‌های آن دستمایه‌ی شاعر شده‌اند تا ضمن معرفی عناصری چون: ماه و ستاره، زمین، کوه، تپه، چشمه و آبشار، درخت و گل و جوانه و... نگاه مخاطب را از سطح این پدیده‌ها به عمق آن توجه دهد و به عبارت بهتر او را با لایه‌های پنهان این زیبایی‌ها آشنا کند. مناظر و پدیده‌هایی که کودک بارها و بارها از کنار آن گذشته و شاید دیدن آن در اثر تکرار برایش تبدیل به عادت شده است.

در شعرهای این کتاب آب، زمین، ماه، ستاره، درخت

و... هر کدام یک نشانه هستند و شاعر با الهام و تحت تأثیر غیر مستقیم روش تربیتی قرآن مجید که به توصیف نعمت‌های خدا می‌پردازد، ابتدا به معرفی و ذکر زیبایی‌های طبیعت پرداخته و سپس با طرح یک پرسش یا بیان یک جمله‌ی آگاهی‌دهنده و قابل تأمل، ذهن او را به سمت آفریننده‌ی این نعمت‌ها توجه داده است. یعنی همان روشی که در منطق یا فلسفه از آن با عنوان پی بردن از معلول به علت تعبیر می‌شود. البته شاعر این کار را به شیوه‌ی غیر مستقیم و هنرمندانه انجام می‌دهد:

«بیا ببین

ستاره‌ها و ماه را

که با حضورشان

در آسمان شب

شب همه به خیر می‌شود

سیاهی از دل من و تو می‌رود

بیا ببین

که در دل ستاره‌ها و ماه

رازهای آسمان نهفته است

گویی از زبان‌شان خدا به بنده‌ها

شب به خیر گفته است!»

(شعر ستاره‌ها و ماه- ص ۲)

این شیوه‌ی بیان به ویژه زمانی که شعر با یک پرسش به پایان می‌رسد ذهن مخاطب را به کنکاش و تفکر دعوت می‌کند و تأثیر عمیق‌تری روی آن به‌جا می‌گذارد:

«... همیشه با نگاه خود

به سمت آسمان اشاره می‌کند

راستی

کوه استوار

چه چیز را نظاره می‌کند؟»

(شعر کوه استوار- ص ۶)

«چشمه را ببین

چگونه سمت و سوی آسمان گرفته است

راستی

چه چیز را نشان گرفته است؟»

(شعر آب و آبشار- ص ۱۰)

القای مفاهیم تربیتی و دینی از طریق شعر، در شعر کودک و نوجوان نمونه‌های فراوانی دارد. اما نکته‌ی مهم در این‌گونه سروده‌ها آن است که شاعر باید سخت مراقب باشد تا پیام و اندیشه‌ی شعر را با شگردی کاملاً غیر مستقیم و پوشیده به مخاطب منتقل کند. در غیر این صورت، شعر به درس اخلاق و شاعر به معلم دینی یا اخلاق شبیه شده و در نتیجه تأثیر و پذیرش شعر از سوی مخاطب کاهش خواهد یافت. در برخی از شعرهای این مجموعه آن‌جا که شاعر مستقیماً کودک یا نوجوان را مخاطب قرار می‌دهد، این مشکل به چشم می‌خورد:

«... تو هم اگر شبیه دانه‌ای

بدان که عاقبت جوانه‌ای

همیشه جاودانه‌ای»

(شعر نور و روشنی- ص ۱۴)

این مشکل در شعر پایانی «جهان ما» به اوج می‌رسد. در این شعر که گویی حالت نتیجه‌گیری داشته و پیام انتهایی کتاب را دربردارد، به نظر می‌رسد شاعر ذهن و ادراک مخاطب خود را دست کم گرفته و به او اعتماد ندارد. او احساس می‌کند شاید مخاطب منظور و مقصودش را از شعرهای قبلی کاملاً متوجه نشده و پیام آن‌ها را دریافت نکرده است. پس باید یک‌بار دیگر به او توضیح دهد که:

«... بیا ببین

که برگ‌ها و سبزه

دست‌های کوچک دعاست...

و دست‌های شهر ما

همین مناره‌هاست

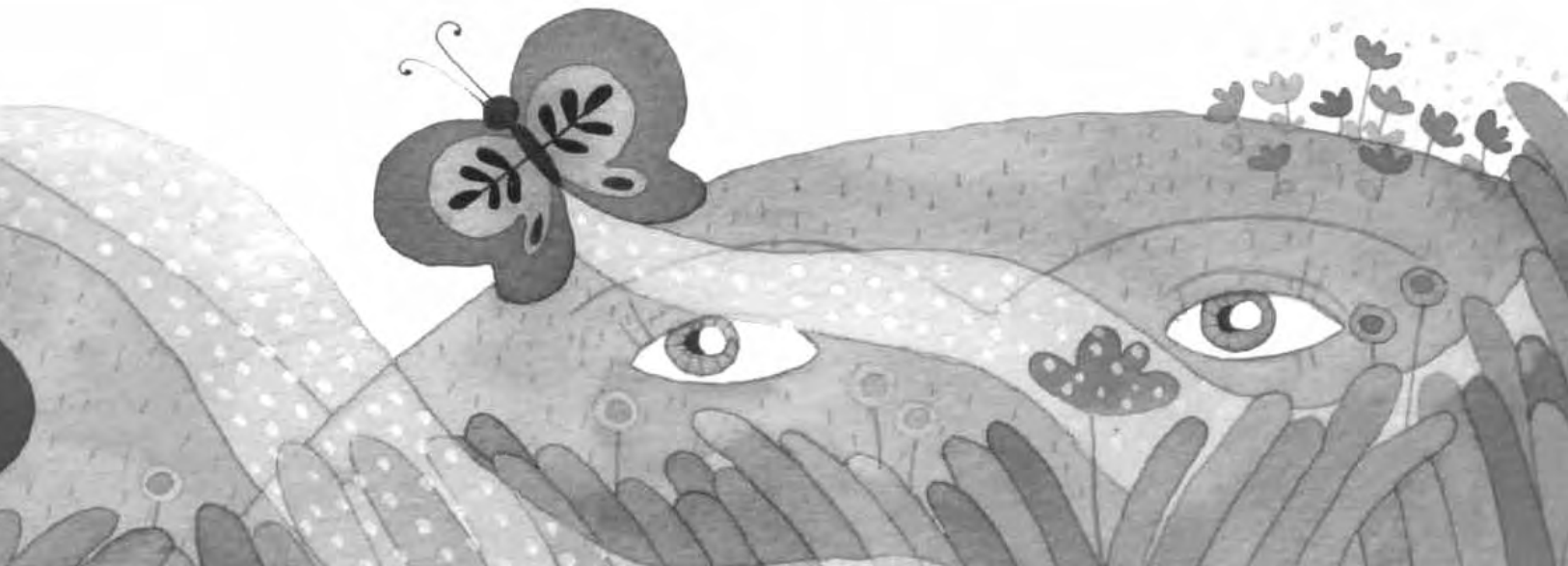
بیا ببین

جهان ما چه قدر باصفاست

با خداست»

(شعر جهان ما- ص ۱۶)

ای کاش شاعر به مخاطب اجازه می‌داد تا اندیشه اش را حول و حوش مطالبی که در صفحات قبل خوانده به



پرواز درآورد و خود، نتیجه گیری کند و از این کشف لذت بیشتری ببرد.

دو

اشاره شد که شعر خوب حاصل هماهنگی و توازن میان همه‌ی عناصر است. پس از نگاهی اجمالی که به مضمون و درون‌مایه‌ی شعرهای این کتاب داشتیم به سراغ صور خیال و زبان شعر می‌رویم. از میان صورت‌های خیال مناسب برای شعر کودک و نوجوان، تشخیص و تشبیه، بیشترین کاربرد را در این کتاب داشته است.

می‌دانیم که تشبیه یکی از ساده‌ترین و دم‌دستی‌ترین صورت‌های خیال است. تشبیهات به کار رفته در این سروده‌ها اگرچه اغلب از نوع ساده‌اند، ولی گاه به نظر می‌رسد درک مخاطب از آن‌ها از یاد رفته است:

«... و خوشه‌های مزرعه

مثل دست‌های مردمان روستاست»

(شعر جهان ما - ص ۱۶)

«... و دشت را ببین...

بلند می‌شود

مثل کوه ارجمند می‌شود»

(شعر تپه‌های باشکوه - ص ۸)

و یا مفاهیمی که مخاطب آن را به راحتی در نمی‌یابد: «و کوه را ببین

اگرچه خاکی است و سنگی است

چه قدر با اراده ایستاده است

و دل به سنگ و خاک‌ها نداده است»

این تشبیهات و مفاهیم، بزرگسالانه‌اند و مخاطب نمی‌تواند با آن‌ها ارتباط برقرار کند. شاعر برای پرهیز از یکنواختی و سادگی تلاش کرده است با حذف برخی از ارکان تشبیه، به تصاویر شعری خود قوت بیشتری ببخشد. مانند حذف ادات تشبیه و وجه شباهت در بندهای زیر که تشبیه‌ها را به استعاره بدل کرده است:

«بیا ببین

که برگ‌ها و سبزه‌ها

دست‌های کوچک دعاست

و دست‌های شهر ما

همین مناره‌هاست...»

(شعر جهان ما - ص ۱۶)

«بیا ببین

زمین که مادری نمونه است

محبتش به ما چگونه است...»

(شعر مادر زمین - ص ۴)

زبان شعر نیز زبانی ساده و روایی است که در آن اوج و فرود و برجستگی یا هنرنمایی‌های خاص لفظی کمتر دیده می‌شود. البته شاعر در برخی شعرها برای خلق تعابیر جدید و تصویرهای نو کوشیده است که حاصل این تلاش، گاه، مثل نمونه‌ی زیر زیبا و قابل تحسین است:



روی برخی واژه‌ها در اختیار شاعر قرار دارد، در سال‌های اخیر مورد توجه شاعران کودک و نوجوان قرار گرفته است. به ویژه برای گروه سنی نوجوان شعرهای خوب و موفقی در این قالب سروده شده است.

با قافیه در این قالب مشکل خاصی نداریم. شاعران کودک و نوجوان به دلیل آگاهی از تأثیر قافیه در ایجاد موسیقی در شعر و زیباتر کردن آن، از قافیه به خوبی بهره می‌برند. اما مشکل بزرگی که گاه حتی در شعر نیمایی بعضی از شاعران بزرگسال هم به چشم می‌خورد، رعایت وزن صحیح و شیوهی درست مصراع‌بندی در این قالب است.

می‌دانیم که اساس وزن در شعر نیمایی همان ترتیب هجاهای بلند و کوتاه است. در شعر نیمایی نیز وزن همان وزن عروضی شعر کلاسیک است. تنها اختلاف در طول مصراع‌ها و عدم تساوی آن‌هاست.

آن‌چه در وزن شعر نیمایی اهمیت دارد این است همه‌ی مصراع‌های شعر باید در یک زنجیره‌ی واحد وزنی سروده شده و آغاز مصراع‌ها نیز یکسان باشد. اگر شاعر به این نکته‌ی مهم توجه نکند، ممکن است بعضی مصراع‌ها به یک وزن دیگر تغییر یابند.

مهدی اخوان ثالث در کتاب بدعت‌ها و بدایع نیما یوشیج این نکته را به تفصیل توضیح داده است. او معتقد است علاوه بر یکسان بودن آغاز مصراع‌ها، پایان‌بندی مصراع‌ها نیز باید یکسان باشد.

مشکل عمده‌ای که در شعرهای کتاب «بیا ببین» مشاهده می‌شود، به هم خوردن و تغییر وزن به ویژه در آغاز مصراع‌هاست. شعر اول این‌گونه آغاز می‌شود:

«بیا ببین
ستاره‌ها و ماه را
که با حضورشان در آسمان شب
شب همه به خیر می‌شود
سیاهی از دل من و تو می‌رود...»



«بیا ببین
ستاره‌ها و ماه را
که با حضورشان در آسمان شب
شب همه به خیر می‌شود
سیاهی از دل من و تو می‌رود»
(شعر ستاره‌ها و ماه - ص ۲)
(استفاده‌ی خلاقانه شاعر از عبارت شب به خیر) و
برخی نیز مثل بیت زیر چندان گویا نیست و چنگی به دل
نمی‌زند:

«... نگاه او به سوی نور و روشنی است
تفکرش همیشه سبز و گلشنی است»
(شعر نور و روشنی - ص ۱۴)
(صفت سبز و گلشنی برای تفکر! اگرچه تازه به نظر
می‌رسد، در بافت شعر، خوش ننشسته است).

در بند زیر نیز عبارت «به فکر چاره رفتن» به اشتباه به
جای «به فکر چاره بودن» به کار رفته است که احتمالاً این
مشکل در اثر تنگنای وزن و قافیه ایجاد شده است:

«و دانه را ببین
همین که حس کند اسیر خاک و تیرگی است
به فکر چاره می‌رود
به سوی زندگانی دوباره می‌رود»
(شعر نور و روشنی - ص ۱۴)

سه

شعر نو نیمایی که در آن وزن عروضی حفظ می‌شود و قافیه نیز به عنوان یک ابزار برای ایجاد موسیقی و تأکید

وزن شعر این است:

مفاعِلن

مفاعِلن مفاعِلن

مفاعِلن مفاعِلن مفاعِلن مفاعِلن

مفاعِلن مفاعِلن فَعَل

مفاعِلن مفاعِلن مفاعِلن

تا این‌جا وزن شعر صحیح است و شاعر از زنجیره‌ی

مفاعِلن با کوتاه و بلند کردن مصراع‌ها استفاده کرده است.

اما در ادامه‌ی همین شعر می‌خوانیم:

«بیا ببین

که در دل ستاره‌ها و ماه

رازهای آسمان نهفته است

گویی از زبان‌شان خدا به بنده‌ها

شب به خیر گفته است»

وزن این بخش عبارت است از:

مفاعِلن

مفاعِلن مفاعِلن فَعَل

فاعِلاتُ فاعِلاتُ فاعِلاتُ فاع

فاعِلاتُ فاعِلن

مصراع‌های سوم، چهارم و پنجم، به جای هجای کوتاه

با هجای بلند آغاز شده و همین امر باعث تغییر وزن از

مفاعِلن به فاعِلات شده است. حال آن‌که با آوردن یک

هجای کوتاه یا کلمه‌ای که با هجای کوتاه شروع شود، این

مشکل برطرف می‌شد. به عنوان مثال اگر شاعر می‌گفت:

«که در دل ستاره‌ها و ماه

{چه} رازها نهفته است

{و} گویی از زبان‌شان خدا به بنده‌ها

{سبت} {به خیر گفته است...»

وزن صحیح بود.

همین مشکل در شعر زیر نیز اتفاق افتاده است:

«مادر زمین

با محبتش به ما

آب و نان تازه می‌دهد...»

فاعِلاتُ فاع

فاعِلاتُ فاعِلن

فاعِلاتُ فاعِلاتُ فاعِلن

اما اگر به عنوان مثال گفته می‌شد:

«{و} مادر زمین

{همیشه} با محبتش به ما

{غذا} {و نان تازه می‌دهد»

وزن شعر تغییر نمی‌کرد و صحیح بود.

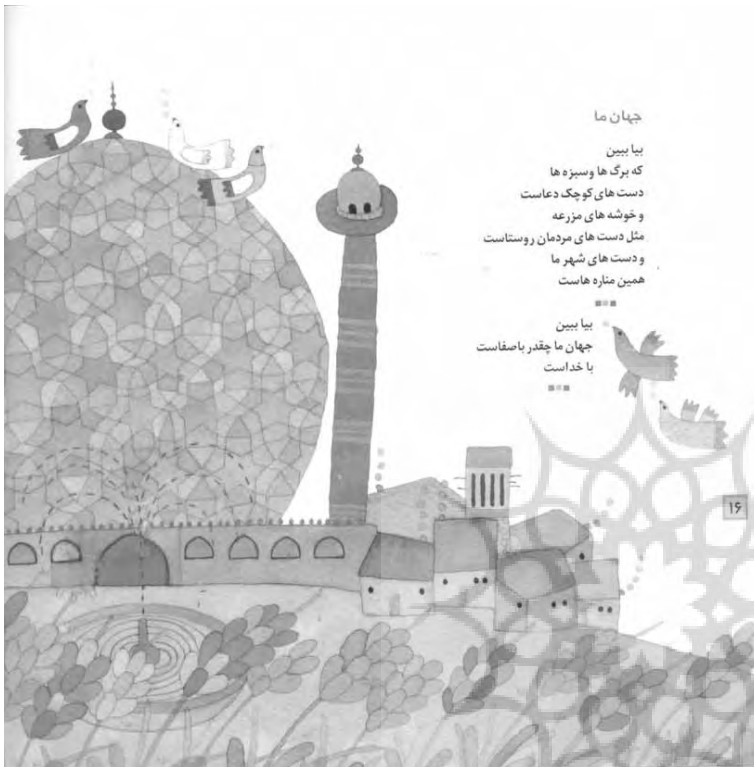
این مشکل متأسفانه در تمام شعرهای این کتاب

مشاهده می‌شود و برای پرهیز از اطناب به همین دو مورد

اکتفا می‌کنیم.

چهار

در یک کتاب شعر کودک، تصویرها به اندازه‌ی شعر اهمیت دارند. لازم است تا تصویرگر شناخت مناسبی از شعر داشته باشد و با آن ارتباط صمیمانه و خلاق برقرار کند تا حاصل کار او تصاویری باشد که تخیل کودک را به پرواز درآورد و در ادراک زیبایی‌ها و پیام شعر به او کمک کند.



بحث پیرامون ظرایف فنی و نکات تخصصی تصویرسازی را باید به متخصصان این امر سپرد. در این‌جا تنها به یک نکته در این‌باره اشاره می‌کنیم:

خوشبختانه تصویرگر کتاب «بیا ببین» شناخت خوبی از شعر و عناصر آن داشته و توانسته است تصاویری سرشار از خیال، متناسب با هر شعر خلق کند.

تشخیص و جان بخشیدن به اشیا و عناصر بی‌جان که در شعر جزء آرایه‌های ادبی به شمار می‌رود، این‌بار در تصویرسازی این کتاب به خوبی مورد استفاده قرار گرفته است. همه‌ی مظاهر طبیعت همان‌گونه که شاعر به آن‌ها جان بخشیده، در نقاشی‌ها نیز جاندار به تصویر در آمده‌اند و همین امر، زندگی، حرکت و نشاط خاصی به تصاویر کتاب بخشیده است. تصویرهای اشعار «مادر زمین» صفحه‌ی ۵، «کوه استوار» صفحه‌ی ۷، «تپه‌های باشکوه» صفحات ۸ و ۹، «آب و آبشار» صفحه‌ی ۱۱ و «زبان سایه و نسیم» صفحه‌ی ۱۳ جزء نمونه‌های زیبا و خلاقانه‌ی تصاویر این کتاب هستند.